

## فصلنامه ی پژوهش های تجربی حسابداری مالی

(علمی - تخصصی)

سال اول، شماره ی اول، پاییز ۱۳۹۰

### بررسی عوامل مؤثر بر اعمال محافظه کاری حسابداری\*

دکتر داریوش فروغی

استادیار گروه حسابداری دانشگاه اصفهان

جواد عباسی

کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه اصفهان

#### چکیده

این پژوهش به بررسی رابطه ی محافظه کاری و تعدادی از ویژگی های شرکت شامل اندازه، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (MB)، درجه اهرم مالی، عمر، طول چرخه ی سرمایه گذاری و عدم اطمینان خاص شرکت می پردازد. همچنین تاثیر رفتار غیرمنتظران محافظه کاری در شناسایی اخبار خوب و بد (سودها و زیان ها) بر متغیرهای اقلام تعهدی غیر عملیاتی و نسبت بازده دارایی ها بررسی شده است. در این پژوهش، داده های ۱۰۰۶ سال - شرکت در دوره ی زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۷ مورد بررسی قرار گرفته است. برای آزمون ارتباط سه متغیر اندازه، نسبت MB و درجه اهرم مالی شرکت با میزان محافظه کاری آن، از مدل رگرسیونی خان و واتس (۲۰۰۹) استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین محافظه کاری و اندازه ی شرکت، رابطه ی منفی و معنی دار وجود دارد و ارتباط محافظه کاری با دو متغیر MB و اهرم مالی مثبت و معنی دار است. برای آزمون ارتباط بین محافظه کاری و دیگر متغیرها به پیروی از پژوهش خان و واتس (۲۰۰۹)، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این بخش حاکی از آن است که ضریب همبستگی بین محافظه کاری با متغیر عمر منفی و معنی دار است. از سوی دیگر این ضریب برای متغیرهای طول چرخه ی سرمایه گذاری و عدم اطمینان خاص شرکت مثبت و معنی دار است. همچنین نتایج پژوهش نشان می دهند که افزایش محافظه کاری سبب می شود، میانگین و چولگی توزیع متغیرهای اقلام تعهدی غیر عملیاتی و نسبت بازده دارایی ها منفی تر شود و انحراف معیار این متغیرها بیشتر شود.

واژگان کلیدی

محافظه کاری، عدم تقارن زمانی سود در بهنگام بودن اخبار، عدم اطمینان خاص شرکت، عدم تقارن اطلاعاتی.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۶/۲۰ تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۰/۰۸/۰۸

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول (دکتر داریوش فروغی): [foroghi@ase.ui.ac.ir](mailto:foroghi@ase.ui.ac.ir)

## ۱- مقدمه

محافظه‌کاري در حسابداری سابقه ی تاريخی دارد. در کشور ما، کمیته ی فنی سازمان حسابرسی در «مفاهيم نظری گزارشگری مالی»، محافظه‌کاري را با لفظ احتیاط، به رسمیت می‌شناسد و آن را به عنوان یکی از اجزای خصوصیت کیفی «قابل اتکا بودن» معرفی می‌کند. محافظه‌کاري<sup>۱</sup> محصول عدم اطمینان و ابهام است. هر زمان که حسابداران در ارزش گذاری دارایی‌ها یا بدهی‌ها با ابهام روبرو می‌شوند، می‌توانند به محافظه‌کاري پناه برند (مجتهدزاده، ۱۳۸۰).

بسیاری از حسابداران از محافظه‌کاري انتقاد می‌کنند. آنها معتقدند که محافظه‌کاري به جای ارزیابی واقع‌گرایانه، موجب سوگیری سیستماتیک در گزارش‌های مالی می‌شود که این امر با برخی از ویژگی‌های کیفی مهم، از قبیل بیان صادقانه، بی‌طرفی و قابل‌مقایسه بودن (شامل ثبات رویه) در تضاد است (مجتهدزاده، ۱۳۸۰). از سوی دیگر طرفداران محافظه‌کاري معتقدند که این مفهوم، میناقی محتاطانه و مفید در محیطی پر از ابهام است. آن‌ها بر این باورند که اگر منتقدان قانون‌گذار و تدوین‌کننده ی استانداردها بدون درک منافع محافظه‌کاري سعی در حذف آن داشته باشند، استانداردهای حاصل احتمالاً به طور جدی برای گزارشگری مالی زیان آور خواهند بود (واتس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). از این رو در سال‌های اخیر مطالعات متعددی در این حوزه انجام شده است. هدف این پژوهش نیز شناسایی ارتباط محافظه‌کاري و برخی از ویژگی‌های واحدهای تجاری است.

## ۲- مبانی نظری

محافظه‌کاري یک میثاق مهم در گزارشگری مالی است و سطح احتیاط در شناسایی و اندازه‌گیری سود و دارایی‌ها را نشان می‌دهد. باسو<sup>۳</sup> محافظه‌کاري را به عنوان تمایل حسابداران به وجود درجه ی بالاتری از تایید پذیری برای شناسایی اخبار خوب نسبت به اخبار بد در صورتهای مالی تفسیر می‌کند. یعنی در سود، اخبار بد سریعتر از اخبار خوب منعکس می‌شود. زیان‌های تحقق نیافته نوعاً زودتر از سودهای تحقق نیافته شناسایی می‌شوند. این عدم تقارن در شناسایی، منجر به تفاوت‌های سیستماتیک بین دوره‌های با اخبار بد و دوره‌های با اخبار خوب از نظر به‌هنگام بودن و پایداری سود می‌شود. از سوی دیگر قیمت سهام اطلاعاتی را منعکس می‌کند که از منابعی علاوه بر سود جاری دریافت شده است؛ لذا بازده سهام‌گرایش دارد که نسبت به اخبار بد و نیز اخبار خوب (سودها یا زیان‌ها) به‌هنگام باشد و اثرهای آنها را منعکس کند. بر این مبنا، می‌توان بازده را نتیجه ی وجود اخبار دانست؛ یعنی بازده مثبت، نشانه ی اخبار خوب و

بازده منفی، نشانه‌ی اخبار بد است. باسو برای نشان دادن وجود محافظه‌کاری و سنجش میزان آن از رابطه‌ی بین سود و بازده سهام استفاده کرد (باسو، ۱۹۹۷). دلایل متعددی برای وجود محافظه‌کاری ارائه شده است. از جمله‌ی این دلایل، به وجود مسأله‌ی مخاطره‌ی اخلاقی در قراردادها، هزینه‌های دادرسی، هزینه‌های سیاسی و انگیزه‌های مالیاتی اشاره کرد (واتس، ۲۰۰۳). تغییر شرایط سبب خواهد شد، زمینه و ضرورت هر یک از این دلایل در شرکت‌های مختلف متفاوت باشد که در نتیجه باعث خواهد شد تقاضا برای محافظه‌کاری در بین شرکت‌های مختلف نیز تغییر کند. محققان، متغیرهای متعددی معرفی کرده‌اند که با تغییر میزان هر یک از آن‌ها، ضرورت و اهمیت تقاضا برای محافظه‌کاری نیز تغییر خواهد کرد. خان و واتس<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) در پژوهش خود به تبیین رابطه‌ی تعدادی از این متغیرها با محافظه‌کاری پرداختند. این متغیرها شامل: اندازه، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام<sup>۵</sup> (MB)، اهرم مالی، عمر شرکت، طول چرخه‌ی سرمایه‌گذاری<sup>۶</sup> و عدم اطمینان خاص شرکت<sup>۷</sup> می‌باشند (خان و واتس، ۲۰۰۹).

شرکت‌های با نرخ MB بالا، فرصت‌های سرمایه‌گذاری<sup>۸</sup> بیشتری پیش روی خود دارند. وجود گزینه‌های مختلف رشد با هزینه‌های نمایندگی<sup>۹</sup> رابطه‌ی مثبت دارد (اسمیت<sup>۱۰</sup> و واتس، ۱۹۹۲) و محافظه‌کاری، ابزاری کارآمد در پاسخ به هزینه‌های نمایندگی است. لذا تقاضای قراردادی بالاتری برای محافظه‌کاری از طرف این شرکت‌ها وجود دارد. همچنین انتظار می‌رود بازده سهام این شرکت‌ها، نوسان‌های بیشتری داشته باشند، زیرا سهم بیشتری از ارزش بازار آن‌ها به سبب فرصت‌های سرمایه‌گذاریشان است. لذا برای این شرکت‌ها احتمال بیشتری وجود دارد که زیان‌های خیلی بزرگی را تجربه کنند که متعاقباً دادخواهی‌هایی را در پی خواهد داشت. در نتیجه تقاضای حقوقی برای محافظه‌کاری برای شرکت‌های با MB بالا، بیشتر است (خان و واتس، ۲۰۰۹).

انتظار بر این است که شرکت‌های بزرگتر، رشد یافته‌تر بوده و محیط‌های اطلاعاتی غنی‌تری داشته باشند که عدم اطمینان و عدم تقارن اطلاعات مرتبط با قابلیت تحقق سودهای آتی را به طور کلی کاهش می‌دهد (اسلی و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۲). این مقوله، تقاضای قراردادی کمتری برای محافظه‌کاری از طرف شرکت‌های بزرگ را نشان می‌دهد. از طرفی انتظار می‌رود که در شرکت‌های بزرگتر، مدیریت توانایی بیشتری در هموار سازی سود داشته باشد که این امر باعث می‌شود ارزش فعلی بدهی مالیاتی در این شرکت‌ها کاهش یافته و لذا تقاضای مالیاتی برای محافظه‌کاری نیز کاهش یابد. همچنین به دلیل

وجود هزینه‌های ثابت دادخواهی در این شرکت‌ها، تقاضای حقوقی پایین‌تری برای محافظه‌کاری از طرف شرکت‌های بزرگتر وجود دارد (خان و واتس، ۲۰۰۹).  
شرکت‌های با درجه‌ی اهرم مالی بالا<sup>۱۲</sup>، دارای تعارض‌های نمایندگی بین اعتبار دهندگان و سهامداران هستند. این مقوله، مبین وجود تقاضای قراردادی بالاتری برای محافظه‌کاری از طرف این شرکت‌ها است (واتس و زیمرمن<sup>۱۳</sup>، ۱۹۸۶). همچنین شرکت‌هایی که به لحاظ تامین منابع مالی و نقدینگی با مشکل مواجه هستند، بیشتر احتمال دارد که تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند و از آنجایی که احتمال فشار مالی با اهرم مالی افزایش می‌یابد، نشان دهنده‌ی تقاضای حقوقی بالاتری برای محافظه‌کاری از طرف این شرکت‌ها است (واتس، ۱۹۹۳).

شرکت‌های کم سابقه، فرصت‌های رشد بیشتری نسبت به شرکت‌های با سابقه دارند. عدم تقارن اطلاعات بین سهامداران و مدیران به واسطه‌ی وجود فرصت‌های رشد افزایش می‌یابد؛ زیرا جریان‌های نقدی آتی نوعاً تأیید پذیر نیستند و این باعث ایجاد هزینه‌های نمایندگی و متعاقباً محافظه‌کاری بیشتر می‌شود (لافوند<sup>۱۴</sup> و واتس، ۲۰۰۸).

محافظه‌کاری با افزایش عدم اطمینان شرکت و طول چرخه‌ی سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد؛ زیرا انتظار می‌رود شرکت‌های با عدم اطمینان بالا و چرخه‌ی سرمایه‌گذاری طولانی، اولاً دارای سودهای آتی باشند که از قبل قابل تأیید نیستند. این سودها نسبت به تغییر شرایط بسیار حساس‌اند؛ لذا یک تقاضای قراردادی و نظارتی برای محافظه‌کاری ایجاد می‌شود؛ ثانیاً در مقایسه با شرکت‌های با عدم اطمینان پایین‌تر، بیشتر انتظار می‌رود که با بازدهی‌های نامطلوب از محل سرمایه‌گذاری خود مواجه شوند. عدم اطمینان بالا و چرخه‌ی سرمایه‌گذاری طولانی پیش‌بینی میزان و زمانبندی جریان‌های نقدی آتی را مشکل می‌سازد که ممکن است به زیان‌های هنگفت آتی منجر شود؛ ثالثاً داشتن زیان‌های بالقوه‌ی بالاتر برای سهامداران، احتمال دادخواهی و تقاضای دادخواهی برای محافظه‌کاری را افزایش می‌دهد (خان و واتس، ۲۰۰۹).

رفتار نامتقارن محافظه‌کاری نسبت به سودها و زیان‌ها، سبب ایجاد عدم تقارن در شناسایی اقلام تعهدی نیز خواهد شد. زیان‌ها با شناسایی جریان‌های خروجی نقدی آتی خود، اقلام تعهدی منفی بزرگتری نسبت به سودها ایجاد می‌کنند؛ لذا این رفتار سبب ایجاد اقلام تعهدی منفی می‌شود و اقلام تعهدی انباشته کمتر ارزیابی می‌شوند. محققان (جیوولی و هاین<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۰) نشان دادند که علامت و میزان اقلام تعهدی انباشته طی زمان، معیارهایی از محافظه‌کاری هستند. برای شرکت‌های در یک وضعیت پایدار، انتظار می‌رود میزان سود خالص انباشته قبل از استهلاک در بلندمدت به سمت جریان‌های نقد

حاصل از عملیات میل کند. وجود یک رجحان ثابت در میزان ارقام تعهدی منفی در بین شرکت‌ها در طول یک دوره‌ی بلندمدت - در صورت ثابت بودن سایر شرایط - دلیلی بر وجود محافظه‌کاری است. رعایت الزامات محافظه‌کاری منجر به ثبت ارقام تعهدی منفی خواهد شد. اگر چه بعضی از این ارقام تعهدی بوسیله‌ی GAAP وضع شده‌اند، اما زمان بندی و میزان بیشتر آنها مربوط به صلاحدید مدیریت است. انباشتگی این ارقام تعهدی منفی در طول زمان، معیاری از وجود محافظه‌کاری است (جیوولی و هاین، ۲۰۰۰).

افزایش‌های بدون قابلیت تایید در ارزش‌داری‌ها (سودها) در زمانی که واقع می‌شوند شناسایی نمی‌گردند؛ بلکه طی دوره‌های آتی که جریان‌های نقدی این افزایش‌ها ایجاد می‌شوند، شناسایی می‌گردند. برای مثال اگر ارزش یک دارایی - به واسطه‌ی آنکه انتظار می‌رود جریان‌های نقدی بیشتری را عاید کند - افزایش یابد، درآمد مذکور طی دوره‌های آتی به موازات ورود جریان‌های نقدی شناسایی می‌شود. در مقابل زیان‌ها با درجه‌ی تایید پذیری مشابه با احتمال بیشتر در همان دوره‌ی وقوع شناسایی می‌شوند. این رفتار نامتقارن ناشی از الزامات محافظه‌کاری است. جیوولی و هاین (۲۰۰۰) در پژوهش خود نشان دادند که درصد شرکت‌هایی که زیان گزارش کرده‌اند، طی سال‌های مورد بررسی آنها، افزایش چشمگیری داشته‌اند. آنها نشان دادند که این افزایش، ناشی از افت اقتصادی نیست بلکه ناشی از رعایت الزامات محافظه‌کاری است (جیوولی و هاین، ۲۰۰۰). از آنجایی که محافظه‌کاری منجر به شناسایی بلادرنگ و کامل وقایع منفی و به تاخیر انداختن و شناسایی تدریجی وقایع مثبت می‌شود، این احتمال وجود دارد که با افزایش آن میانگین و چولگی توزیع درآمد منفی‌تر و انحراف معیار آن بیشتر شود.

### ۳- پیشینه‌ی پژوهش

لارا، اُسما و پنالوا<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۰) در پژوهش خود برای یافتن رابطه‌ی بین محافظه‌کاری شرطی و هزینه‌ی سرمایه‌سهم عادی، با استفاده از آزمون‌های قیمت‌گذاری دارایی، به این نتیجه رسیدند که بین محافظه‌کاری شرطی و هزینه‌ی سرمایه‌سهم عادی، رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری وجود دارد و گزارشگری محافظه‌کارانه از طریق کاهش عدم اطمینان نسبت به جریان‌های نقدی آتی و کاهش نوسان قیمت‌های آتی سهام، منجر به دقت بیشتر اطلاعات، افزایش ارزش شرکت و کاهش هزینه‌ی سرمایه‌ی آن خواهد شد.

خان و واتس (۲۰۰۹) در پژوهش خود نشان دادند که محافظه‌کاری با افزایش اندازه‌ی شرکت کاهش می‌یابد ولی با افزایش نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و همچنین درجه‌ی اهرم مالی، محافظه‌کاری افزایش می‌یابد. پژوهش آنها همچنین

نشان داد که محافظه‌کاري با افزايش عمر شرکت کاهش، و با افزايش عدم اطمینان خاص شرکت و طول چرخه‌ی سرمایه‌گذاري افزايش می‌یابد.

هوی و همکاران<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان «تأثير محافظه‌کاري بر پیش‌بینی سود توسط مدیریت» به بررسی میزان ارتباط بین محافظه‌کاري و پیش‌بینی‌های سود توسط مدیران پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که ارتباط منفی معنی‌داری بین محافظه‌کاري و تعداد دفعات، دقت و ویژگی پیش‌بینی سود مدیران وجود دارد. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که با کاهش بازده بازار، تأثير محافظه‌کاري بر تعداد دفعات پیش‌بینی افزايش می‌یابد و همچنین پیش‌بینی اخبار بد نسبت به اخبار خوب بر قوی‌تر شدن این ارتباط تأثير بسزایی دارد.

لافوند و واتز (۲۰۰۸)، به بررسی نقش اطلاعاتی محافظه‌کاري پرداختند. آنها در پژوهش خود بر این باورند که حسابداری محافظه‌کارانه به وسیله‌ی دو ساز و کار بالقوه، عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران را از بین می‌برد: نخست، حسابداری محافظه‌کارانه می‌تواند بهترین خلاصه‌ی ممکن از اطلاعات قطعی به غیر از قیمت سهام را درباره‌ی عملکرد جاری شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاران فراهم سازد. از سوی دیگر، وجود استانداردهایی مبنی بر الزام به تأییدپذیری کمتر برای شناسایی زیان‌ها، می‌تواند موجب شود اطلاعاتی را که مدیران تمایلی به افشای آن ندارند، افشا شود.

فرانسیس و همکاران<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۴) در پژوهشی، رابطه‌ی هفت ویژگی کیفی سود شامل کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، قابلیت پیش‌بینی سود، یکنواختی سود، مربوط بودن سود به ارزش سهام، به موقع بودن و محافظه‌کارانه بودن سود را بر هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آن پژوهش حاکی از این است که شرکت‌های با کیفیت سود پایین‌تر، در مقایسه با شرکت‌های با کیفیت سود بالاتر، از هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی بالاتری برخوردارند. به شکل خاص، بین ویژگی کیفی محافظه‌کارانه بودن سود و هزینه‌ی سرمایه‌ی سهام عادی رابطه‌ی معنادار و معکوس وجود دارد.

گول و همکاران<sup>۱۹</sup> (۲۰۰۲)، در پژوهشی با عنوان «بحران مالی در آسیا، محافظه‌کاري در حسابداری و حق الزحمه‌ی حسابرسي: شواهدی در هنگ کنگ» به بررسی رابطه‌ی محافظه‌کاري با حسابرسي در موسسه‌ی حسابرسي اندرسون پرداختند. نتیجه‌ی این پژوهش حاکی از وجود رابطه‌ی منفی بین حق‌الزحمه‌های حسابرسي و محافظه‌کاري در گزارشگری با توجه به دعاوی حقوقی علیه موسسه‌ی حسابرسي اندرسون است.

جیوولی و هاین (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «ویژگی‌های سری زمانی در حال تغییر درآمد، جریان نقد و اقلام تعهدی: آیا گزارشگری مالی محافظه‌کارتر شده است؟» به معرفی

معیارهای مختلف موجود در اندازه‌گیری محافظه‌کاری پرداخته‌اند. پژوهش آن‌ها نشان داد که نرخ بازده حسابداری<sup>۲۰</sup> کاهشی مستمر در طی سال‌های مورد بررسی داشته است. پژوهش آن‌ها همچنین نشان داد که چولگی و انحراف معیار توزیع‌های بازده دارایی‌ها (ROA) و افلام تعهدی غیر عملیاتی در طی سال‌های مختلف منفی‌تر شده است. بیور و رایان<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۰)، رابطه‌ی محافظه‌کاری با نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که هر چه نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار پایین‌تر باشد، میزان محافظه‌کاری واحد تجاری بالاتر خواهد بود.

باسو (۱۹۹۷) در پژوهشی با عنوان «اصل محافظه‌کاری و عدم تقارن زمانی سود» به بررسی رابطه‌ی بین سود و بازده سهام پرداخته است. او نشان داد که سود و بازده سهام هر دو به صورت بهنگام نسبت به اخبار بد واکنش نشان می‌دهند، اما بازده نسبت به اخبار خوب سریع‌تر از سود واکنش نشان می‌دهند.

احمد خان‌بیگی (۱۳۸۸)، پژوهشی با عنوان «رابطه‌ی محافظه‌کاری و به موقع بودن سود حسابداری با اندازه شرکت و اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی» انجام داد. نتایج این پژوهش نشان داد که سودهای گزارش شده توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در انعکاس اخبار بد به موقع‌تر از اخبار خوب است، در حالیکه روند محافظه‌کاری در طول دوره‌ی مورد مطالعه افزایش نیافته است. نتایج بررسی‌ها بین دو گروه شرکت‌های بزرگ و کوچک و همچنین بین دو گروه شرکت‌های حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و شرکت‌های حسابرسی شده توسط اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران نشان داد که عوامل اندازه و حسابرسی مستقل شرکت در دو ویژگی به موقع بودن و محافظه‌کارانه بودن تاثیرگذار نیستند.

جمالیان پور و ستایش (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی وجود محافظه‌کاری در گزارش‌گری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» به بررسی وجود محافظه‌کاری در گزارشگری مالی پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در اکثریت موارد، پاسخ نامتقارن میان سود حسابداری و بازدهی سهام وجود ندارد.

کردستانی و امیر بیگی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه‌ی عدم تقارن زمانی سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (MB) به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری» نشان دادند که یک رابطه‌ی منفی بین عدم تقارن زمانی سود و نسبت MB بعنوان دو معیار سنجش محافظه‌کاری وجود دارد که از نظر آماری معنی‌دار است.

کردستانی و مجددي (۱۳۸۶) در پژوهشي با عنوان «بررسي رابطه بين ويژگي‌هاي کيفي سود و هزينه‌ي سرمايه‌سهم عادي» به اين نتيجه رسيدند که بين ويژگي محافظه‌کارانه بودن سود و هزينه‌ي سرمايه‌ي سهام عادي، رابطه‌ي معناداري وجود ندارد.

مراد زاده و بني‌مهد (۱۳۸۵) در پژوهشي نشان دادند که محافظه‌کاري حسابداري و شاخص سودآوري (بازده دارايي‌ها) در ايران طی دوره‌ي پژوهش بطور هم‌زمان کاهش يافته است. اندازه‌ي شرکت‌ها و ماليات بر محافظه‌کاري حسابداري اثری نداشته و محافظه‌کاري حسابداري نمی‌تواند به عنوان یک مکانيزم قراردادي کارآمد برای کاهش تعارض‌هاي تقسيم سود بين سهامداران و اعتبار دهندگان محسوب شود.

#### ۴- فرضيه‌ها

فرضيه‌ي اول: محافظه‌کاري با افزايش اندازه شرکت، کاهش می‌يابد.

فرضيه‌ي دوم: محافظه‌کاري با افزايش نسبت MB شرکت افزايش می‌يابد.

فرضيه‌ي سوم: محافظه‌کاري با افزايش درجه‌ي اهرم مالي شرکت افزايش می‌يابد.

فرضيه‌ي چهارم: با افزايش محافظه‌کاري انحراف معيار توزيع بازده دارايي‌ها (ROA) بيشتري می‌شود.

فرضيه‌ي پنجم: با افزايش محافظه‌کاري میانگين و چولگي توزيع بازده دارايي‌ها (ROA) منفي‌تر می‌شود.

فرضيه‌ي ششم: با افزايش محافظه‌کاري انحراف معيار توزيع اقلام تعهدي غير عملياتي (NOAcc) بيشتري می‌شود.

فرضيه‌ي هفتم: با افزايش محافظه‌کاري میانگين و چولگي توزيع اقلام تعهدي غير عملياتي (NOAcc) منفي‌تر می‌شود.

فرضيه‌ي هشتم: محافظه‌کاري با افزايش عمر شرکت، کاهش می‌يابد.

فرضيه‌ي نهم: محافظه‌کاري با افزايش عدم اطمینان شرکت، افزايش می‌يابد.

فرضيه‌ي دهم: محافظه‌کاري با افزايش طول چرخه‌ي سرمايه‌گذاري شرکت، افزايش می‌يابد.

#### ۵- نمونه

جامعه‌ي آماری اين پژوهش، شرکت‌هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زماني سال‌هاي ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۷ است. در انتخاب نمونه‌ي آماری، شرايط زير در نظر گرفته شده‌اند:

الف- به لحاظ افزايش قابليت مقايسه‌ي بين آنها، دوره‌ي مالي آنها منتهی به پايان اسفند ماه باشد.



ب- تمامی اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش برای سال‌های مورد نظر در دسترس باشد.

ج- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و تامین مالی نباشند.  
با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مجموع ۱۰۰۶ سال-شرکت انتخاب شد.  
۶- روش شناسی

در این پژوهش برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری و آزمون سه فرضیه‌ی اول از مدل خان و واتس استفاده شده است. خان و واتس برای این منظور به تکمیل رابطه‌ی پرداختند که توسط باسو (۱۹۹۷) ارائه شد. باسو رابطه‌ی بین سود و بازده سهام را به صورت رابطه (۱) ارائه نمود:

$$X_{i,t} = \beta_1 + \beta_2 D_{i,t} + \beta_3 R_{i,t} + \beta_4 D_{i,t} R_{i,t} + e_{i,t} \quad (1)$$

در این رابطه،  $X_{i,t}$  سود خالص شرکت  $i$  در سال  $t$ ،  $R_{i,t}$  بازده سهام شرکت  $i$  ام در سال  $t$  (معیار اخبار، بازده مثبت معیار اخبار خوب و بازده منفی معیار اخبار بد)، و  $D_{i,t}$  متغیر مجازی<sup>۲۲</sup> شرکت  $i$  ام در سال  $t$  است. متغیر مجازی  $D_{i,t}$  برای بازده‌های منفی برابر ۱ و برای بازده‌های مثبت برابر صفر است و  $e_{i,t}$  نیز باقیمانده یا پسمانده‌های مدل است.  $\beta_3$  معیار به‌هنگام بودن اخبار خوب، و  $\beta_4$  معیار به‌هنگام بودن تفاضلی اخبار بد نسبت به اخبار خوب یا همان محافظه‌کاری است. کل به‌هنگام بودن اخبار بد برابر با  $\beta_3 + \beta_4$  است. خان و واتس به این نتیجه رسیدند که محافظه‌کاری با اندازه‌ی شرکت، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و اهرم مالی شرکت ارتباط دارد. براین اساس ضرایب  $\beta_3$  و  $\beta_4$  را بسط داده و هر کدام را به صورت تابعی خطی از این سه ویژگی شرکت نوشتند. آنها این توابع را به صورت معادلات (۲) و (۳) ارائه کرده‌اند:

$$G\_Score = \beta_3 = \mu_1 + \mu_2 Size_i + \mu_3 MB_i + \mu_4 Lev_i \quad (2)$$

$$C\_Score = \beta_4 = \lambda_1 + \lambda_2 Size_i + \lambda_3 MB_i + \lambda_4 Lev_i \quad (3)$$

در این روابط  $Size_i$  اندازه شرکت  $i$ ،  $MB_i$  نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت  $i$  در پایان سال و  $Lev_i$  درجه اهرم مالی شرکت  $i$  می‌باشند.  
اگر روابط (۲) و (۳) در رابطه (۱) جای‌گذاری شوند، رابطه (۴) به دست می‌آید. خان و واتس (۲۰۰۹) از این رابطه برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری استفاده کردند. با استفاده از این مدل می‌توان ارتباط سه ویژگی اندازه، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و اهرم مالی شرکت را با محافظه‌کاری آزمون کرد. در پژوهش حاضر برای

تخمین ضرایب این مدل از داده های سری زمانی و مقطعی به صورت ترکیبی استفاده شده است.

$$X_{i,t} = \beta_1 + \beta_2 D_{i,t} + R_{i,t} (\mu_1 + \mu_2 \text{Size}_{i,t} + \mu_3 M/B_{i,t} + \mu_4 \text{Lev}_{i,t}) \quad (4) \\ + D_{i,t} R_{i,t} (\lambda_1 + \lambda_2 \text{Size}_{i,t} + \lambda_3 MB_{i,t} + \lambda_4 \text{Lev}_{i,t}) + (\delta_1 \text{Size}_{i,t} + \delta_2 MB_{i,t} + \delta_3 \text{Lev}_{i,t} + \delta_4 D_{i,t} \text{Size}_{i,t} + \delta_5 D_{i,t} MB_{i,t} + \delta_6 D_{i,t} \text{Lev}_{i,t}) + \varepsilon_{i,t}$$

$X_{i,t}$ : نسبت سود قبل از اقلام غیر مترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت  $i$  ام در سال  $t$ .

$D_{i,t}$ : متغیر مجازی شرکت  $i$  ام در سال  $t$ .

$R_{i,t}$ : بازده سالانه شرکت  $i$  ام در سال  $t$ .

$\text{Size}_{i,t}$ : اندازه شرکت  $i$  ام در سال  $t$ .

$MB_{i,t}$ : نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری پایان سال حقوق صاحبان سهام شرکت  $i$  ام در سال  $t$ .

$\text{Lev}_{i,t}$ : درجه ی اهرم مالی شرکت  $i$  ام در سال  $t$ .

۷- متغیرها

سود- متغیر وابسته پژوهش ( $X$ ):

سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه است که بر ارزش بازار حقوق صاحبان در ابتدای دوره تقسیم می شود.

اندازه ( $\text{Size}$ ):

اندازه ی شرکت بر مبنای لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام آن در پایان هر سال محاسبه می شود.

متغیر مجازی ( $D$ ):

این متغیر اعداد صفر و یا یک را اختیار می کند. اگر بازده سالانه ی شرکت، مثبت و یا صفر باشد، این عدد برابر صفر است و اگر بازده منفی باشد، این عدد برابر یک است.

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام ( $MB$ ):

این نسبت از تقسیم ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در پایان هر سال مالی به دست می آید. ارزش بازار از ضرب آخرین تعداد سهام شرکت در آخرین قیمت هر سهم در پایان سال مالی به دست می آید.

اهرم مالی:

برای محاسبه این متغیر از رابطه (۵) استفاده می‌شود:

$$(5) \quad \frac{\text{بدهی های کوتاه مدت} + \text{بدهی های بلند مدت}}{\text{ارزش بازار حقوق صاحبان سهام}}$$

بازده سالانه شرکت (R) :

بازده سالانه از مجموع بازده های ماهانه هر شرکت به دست می آید. این بازده های ماهانه از چهار ماه بعد از پایان هر دوره تا چهار ماه بعد از پایان دوره ی بعد را در بر می گیرد. برای محاسبه بازده های ماهانه از رابطه (۶) استفاده شده است:

$$(6) \quad \text{بازده} = \frac{\text{سهم جایزه} + \text{حق تقدم} + \text{DPS} + (\text{قیمت روز} - \text{قیمت پایه})}{\text{قیمت پایه}} \times 100$$

عدم اطمینان خاص (Volatility) :

انحراف معیار بازده روزانه ی هر شرکت طی هر سال مالی به عنوان عدم اطمینان خاص شرکت در آن سال در نظر گرفته می شود.

کل ارقام تعهدی قبل از استهلاک :

برای محاسبه این متغیر از رابطه (۷) استفاده می‌شود:

$$(7) \quad \text{جریان نقد حاصل از عملیات} - (\text{استهلاک} + \text{سود خالص}) = \text{کل ارقام تعهدی قبل از استهلاک}$$

جریان نقد حاصل از عملیات (CFOA)

برای به دست آوردن جریان نقد حاصل از عملیات، سه بخش اول صورت گردش وجوه نقد شامل جریان خالص وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی، جریان خالص وجوه نقد ناشی از بازده سرمایه گذاریها و سود پرداختی بابت تامین مالی و مالیات بر درآمد پرداختی با هم جمع می شوند. دلیل این امر آن است که درآمد ها و هزینه های مربوط به بازده سرمایه گذاری ها و نیز مالیات بردرآمد در محاسبه ی سود خالص لحاظ شده اند. پس برای به دست آوردن ارقام تعهدی باید جریان های نقدی آنها از سود خالص کسر شود.

ارقام تعهدی عملیاتی:

برای محاسبه ی ارقام تعهدی عملیاتی از رابطه (۸) استفاده می‌شود. در این رابطه علامت  $\Delta$  به معنای تغییرات می باشد:

$$(8) \quad \text{موجودی ها} + \Delta + \text{حسابهای دریافتی عملیاتی} = \Delta \text{ ارقام تعهدی عملیاتی}$$

$$\text{مالیات پرداختی} - \Delta - \text{حسابهای پرداختی} - \Delta - \text{پیش پرداخت هزینه ها} - \Delta$$

ارقام تعهدی غیر عملیاتی:

برای محاسبه ی ارقام تعهدی غیر عملیاتی از رابطه (۹) استفاده می‌شود: لازم به توضیح است که عبارت عملیاتی که در این بخش استفاده می‌شود با تعاریفی که از ارقام عملیاتی

در صورت های سود و زیان و جریان وجوه نقد کاربرد دارد، متفاوت است. در این بخش، اقلامی غیر عملیاتی تلقی می شوند که ناشی از رعایت محافظه کاری باشند نه رعایت حسابداری تعهدی. در ثبت این ارقام عموماً در طرف مقابل ذخایر قرار می گیرند.

(اقلام تعهدی عملیاتی - کل اقلام تعهدی قبل از استهلاك) = اقلام تعهدی غیر عملیاتی

(۹) (جمع کل داراییهای ابتدای دوره) /

طول چرخه سرمایه گذاری (INV-Cycle) :

برای آزمون ارتباط این متغیر با محافظه کاری از معکوس آن استفاده شده است که از تقسیم هزینه ی استهلاك بر داراییهای استهلاك پذیر ابتدای دوره به دست می آید. لذا نتایج نیز عکس آنچه به دست آمده تفسیر می شوند.

عمر شرکت ها از سال تاسیس آنها تا سال مورد بررسی و بر مبنای سال محاسبه می شود.

بازده دارایی ها (ROA):

بازده داراییها برابر است با سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه تقسیم بر داراییها در اول دوره.

۸- روش آزمون فرضیه ها

تابع  $G\_Score$  معیار به هنگام بودن اخبار خوب و تابع  $C\_Score$  معیار به هنگام بودن افزایشی اخبار بد نسبت به اخبار خوب یا همان محافظه کاری است. از این توابع می توان برای آزمون ارتباط سه متغیر اندازه، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و اهرم مالی استفاده کرد. به عنوان مثال با توجه به مبانی نظری انتظار می رود، ضریب متغیر اندازه در تابع  $G\_Score$  ( $\mu_2$ ) مثبت باشد مبنی بر آن که با افزایش اندازه ی شرکت به هنگام بودن اخبار خوب افزایش می یابد و از سوی دیگر پیش بینی می شود ضریب این متغیر در تابع  $C\_Score$  ( $\lambda_2$ ) منفی باشد یعنی با افزایش اندازه ی شرکت محافظه کاری کاهش می یابد. به همین منوال می توان ارتباط محافظه کاری با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و اهرم مالی را بررسی کرد.

برای آزمون ارتباط بین محافظه کاری و متغیر های عمر، طول چرخه ی سرمایه گذاری، عدم اطمینان، اقلام تعهدی و بازده دارایی ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود. به عنوان مثال انتظار می رود بین محافظه کاری و متغیر عمر، همبستگی منفی وجود داشته باشد مبنی بر این که با افزایش محافظه کاری شرکت ها، عمر آن ها کاهش یابد. برای این منظور به پیروی از خان و واتس (۲۰۰۹) ابتدا شرکت ها بر مبنای میزان

محافظه کاریشان (C\_Score) دهک بندی می شوند. سپس میانگین هر یک از متغیرهای فوق، برای هر دهک محاسبه می شود. آنگاه همبستگی بین دهک های C\_Score و میانگین متغیرها محاسبه می شود.

با توجه به این که فرضیه های آماری  $H_0$  و  $H_1$  برای هر ده فرضیه ی پژوهش به صورت یک طرفه بیان می شوند، لذا برای آزمون آنها علاوه بر سطح معناداری آماره  $t$ -Statistic نیز بررسی می شود. برای این منظور آماره  $t$  با  $t_{\alpha,df}$  جدول مقایسه می شود.

#### ۹- آمار توصیفی متغیرها

در جدول (۱) یک نمای کلی از داده ها شامل تعداد، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش ارائه شده است:

جدول (۱) - آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
سود	$X_i$	-۳۱/۷۳	۲۷/۴۷۹۸	-۰/۱۱۵۸	۱/۴۸۳۵
بازده سالانه	$R_i$	-۱۱۲/۱۸۰	۱۰۶۱/۱۸	۳۳/۸۶۹	۷۷/۴۹۹
اندازه ی شرکت	$Size_i$	۳/۵۷۲	۷/۳۶۴	۵/۳۴۹	۰/۶۸۵
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری ح/ص/س	MB	-۸۲/۴۲۰	۲۵۶۷/۸۵۶	۶/۱۷۷	۸۱/۳۳۳
درجه ی اهرم مالی	$Lev_i$	۰/۰۳۲	۱۸/۶۲۵	۱/۷۴۱	۲/۳۵۸
بازده دارایی ها	ROA	-۰/۷۱۷	۱/۳۷۳	۰/۱۶۶	۰/۱۷۹
اقدام تعهدی غیر عملیاتی	NOAcc	-۰/۷۹۹	۱/۱۴۹	۰/۱۱	۰/۱۷
معکوس طول چرخه ی سرمایه گذاری	INV-Cycle	۰	۲/۰۶۲	۰/۱۰۱	۰/۰۹۱
عدم اطمینان خاص شرکت	Volatility	۰	۵۶۹۰/۲۱	۸۵/۲۳	۳۵۰/۴۵
عمر شرکت	Age	۳	۵۶	۲۴/۷۸۳	۱۰/۰۸۳

#### ۱۰- روش برآورد مدل

با توجه به نتایج جدول (۲) از آن جایی که آماره ی  $F$ -لیمر<sup>۲۳</sup> کمتر از ۵٪ است، می توان بیان کرد که داده های جدول (۱) از نوع تابلویی هستند. همچنین آماره ی هاسمن<sup>۲۴</sup> نیز کمتر از ۵٪ است که این امر نشان دهنده ی این موضوع است که عرض از مبدأ داده های فوق به صورت اثرات ثابت می باشد. بنابراین، برازش داده های رابطه ی (۴) به

صورت تابلویی با اثرات ثابت عرض از مبدأ انجام شده است. مقدار دوربین - واتسون برآورد شده - همچنان که در جدول شماره (۲) ملاحظه می شود - معادل  $d = ۱,۷۰۳$  است. و از آن جایی که این عدد بین فاصله ی اطمینان ،  $۲,۵ < d < ۱,۷$  قرار دارد، نشان دهنده ی عدم خود همبستگی میان اجزای باقی مانده است. برای بررسی وجود همسانی واریانس بین اجزای باقی مانده از آزمون بران-فارسیت استفاده شده است. همانطور که در جدول (۲) ملاحظه می شود، مقدار احتمال برای آزمون فوق بزرگتر از  $۰,۰۵$  است؛ بنابراین در سطح خطای  $\alpha = ۰,۰۵$  فرضیه  $H_0$  مبنی بر ناهمسانی واریانس پذیرفته نمی شود.

جدول شماره (۲) - نتایج آزمون های مربوط به داده های ترکیبی، خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس

نوع آزمون	مقدار محاسبه شده	نوع آزمون	مقدار (احتمال) محاسبه شده
آزمون F-لیمر	۰,۰۴۲۳	دوربین واتسن (DW)	۱,۷۰۳
آزمون هاسمن	۰,۰۰۴۷	آزمون بران-فارسیت	۰,۰۹۲۴

### ۱۱- تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش و آزمون فرضیه ها

در جدول (۳) خلاصه ی نتایج به دست آمده از برآورد مدل (۴) ارائه شده است:

جدول (۳) - نتایج حاصل از برازش رابطه (۴)

فرضیه	ضریب	مقدار	آماره ی t	احتمال	علامت پیش بینی شده	شرط پذیرش آماره ی t	نتیجه ی آزمون فرضیه
۱	$\mu_1$	۰,۳۰۴	۵,۴۲۵	۰,۰۰۰	+	$t > ۱,۶۴$	پذیرش
	$\lambda_1$	-۰,۵۴۶	-۳,۱۸۵	۰,۰۰۲	-	$t < -۱,۶۴$	فرضیه
۲	$\mu_2$	-۰,۰۵۴	-۱۲,۹۸۶	۰,۰۰۰	-	$t < -۱,۶۴$	پذیرش
	$\lambda_2$	۰,۰۹۷	۲,۲۰۰	۰,۰۲۸	+	$t > ۱,۶۴$	فرضیه
۳	$\mu_3$	-۰,۱۸۸	-۵,۳۶۳	۰,۰۰۰	-	$t < -۱,۶۴$	پذیرش
	$\lambda_3$	۰,۳۸۱	۸,۴۶۱	۰,۰۰۰	+	$t > ۱,۶۴$	فرضیه
ضریب تعیین ( $R^2$ )			۰,۹۸			آماره ی F	۳۹۹,۵۴۶
$R^2$ تعدیل شده			۰,۹۸			معناداری آماره ی F	۰,۰۰۰۰۰۰

همچنان که مشاهده می شود مطابق انتظار ارتباط بین به هنگام بودن اخبار خوب ( $G\_Score$ ) و اندازه ی شرکت (ضریب  $\mu_2$ ) مثبت است و از سوی دیگر ارتباط بین محافظه کاری و اندازه ی شرکت (ضریب  $\lambda_2$ ) منفی است؛ یعنی با افزایش اندازه ی شرکت، به هنگام بودن خوب نیز افزایش و محافظه کاری کاهش می یابد. ارتباط بین به هنگام بودن اخبار خوب ( $G\_Score$ ) با نسبت MB و درجه ی اهرم مالی شرکت (به ترتیب ضرائب  $\mu_3$  و  $\mu_4$ ) منفی است. از سوی دیگر ارتباط بین محافظه کاری با این دو

متغیر (به ترتیب ضرائب  $\lambda_3$  و  $\lambda_4$ ) مثبت است یعنی با افزایش نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و درجه‌ی اهرم مالی شرکت، به هنگام بودن خوب کاهش و محافظه‌کاری افزایش می‌یابد. این نتایج با نتایج پژوهش خان و واتس (۲۰۰۹) سازگار می‌باشند.

جدول (۴) - خلاصه نتایج آزمون سه فرضیه اول

شماره‌ی فرضیه	عنوان فرضیه	نتیجه‌ی آزمون فرضیه
۱	محافظه‌کاری با افزایش اندازه شرکت، کاهش می‌یابد.	پذیرش فرضیه
۲	محافظه‌کاری با افزایش نسبت MB شرکت افزایش می‌یابد.	پذیرش فرضیه
۳	محافظه‌کاری با افزایش درجه اهرم مالی شرکت افزایش می‌یابد.	پذیرش فرضیه

برای آزمون ارتباط بین محافظه‌کاری و متغیرهای عمر، طول چرخه‌ی سرمایه‌گذاری، عدم اطمینان، اقلام تعهدی و بازده دارایی‌ها ابتدا میزان محافظه‌کاری شرکت‌ها با استفاده از تابع  $C\_Score$  که در رابطه‌ی (۱۰) نشان داده شده، محاسبه گشته است:

$$C\_Score = \beta_f = \lambda_1 + \lambda_2 Size_i + \lambda_3 MB_i + \lambda_4 Lev_i + e_i \quad (10)$$

$$\lambda_1 = 2,175, \lambda_2 = -0,546, \lambda_3 = 0,097, \lambda_4 = 0,381$$

$$C\_Score = (2,175) + (-0,546) Size + (0,097) MB + (0,381) Lev + e$$

در مرحله‌ی بعد، شرکت‌ها بر مبنای میزان  $C\_Score$  شان دهک بندی شدند. سپس میانگین هر یک از متغیرهای فوق برای شرکت‌های هر دهک محاسبه شده است. نهایتاً ضریب همبستگی بین دهک‌های  $C\_Score$  و این میانگین‌ها محاسبه شده است. نتایج مربوط به دهک بندی شرکت‌ها در جدول شماره (۵) منعکس می‌باشد:

جدول (۵) - محدوده  $C\_Score$  در هر دهک

شماره دهک	محدوده دهک ( $N < C\_Score < M$ )	تعداد سال-شرکت هر دهک
۱	$C\_Score < -43,971$	۲۴
۲	$-43,971 < C\_Score < -35,452$	۵
۳	$-35,452 < C\_Score < -26,931$	۴
۴	$-26,931 < C\_Score < -18,411$	۱۳
۵	$-18,411 < C\_Score < -9,891$	۱۷
۶	$-9,891 < C\_Score < -1,371$	۴۳
۷	$-1,371 < C\_Score < 7,148$	۸۲۹
۸	$7,148 < C\_Score < 15,668$	۲۸
۹	$15,668 < C\_Score < 24,188$	۲۰
۱۰	$24,188 < C\_Score$	۲۳
	جمع کل	۱۰۰۶



نتایج مربوط به آزمون فرضیه های چهارم به بعد در جدول شماره ی (۶) آورده شده است. نتایج حاکی از آن است که بین دهک های C\_Score و میانگین عمر شرکت های هر دهک، همبستگی منفی و معنادار وجود دارد؛ یعنی با افزایش عمر شرکت، به دلیل کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، محافظه‌کاری نیز کاهش می یابد. همچنین بین دهک های C\_Score و میانگین عدم اطمینان خاص شرکت های هر دهک، همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد؛ یعنی با افزایش عدم اطمینان خاص شرکت، محافظه‌کاری نیز افزایش می یابد. از سوی دیگر بین دهک های C\_Score و میانگین عکس معیار طول چرخه ی سرمایه گذاری شرکت های هر دهک، همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. از آن جایی که از عکس معیار طول چرخه ی سرمایه گذاری در این مرحله استفاده شده است، نتایج نیز عکس آنچه به دست آمده تفسیر می شود. یعنی با افزایش طول چرخه ی سرمایه گذاری شرکت، محافظه‌کاری همچنان که پیش بینی می شد، افزایش می یابد. نتایج پژوهش همچنین تاثیر پیش بینی شده ی رفتار غیرمتقارن محافظه‌کاری بر اقلام تعهدی غیر عملیاتی و نسبت بازده دارایی ها را نیز تایید می کند. همچنان که مشاهده می شود همبستگی بین دهک های C\_Score و انحراف معیار، نسبت بازده دارایی ها و اقلام تعهدی غیرعملیاتی شرکت های هر دهک، مثبت و معنادار است؛ یعنی با افزایش محافظه‌کاری انحراف معیار این دو متغیر نیز افزایش می یابد. همچنین همبستگی بین دهک های C\_Score و میانگین و چولگی این دو متغیر، منفی و معنادار می باشد. نتایج این پژوهش با نتایج به دست آمده در پژوهش های خان و واتس (۲۰۰۹) ۱۰ و جیوولی و هاین (۲۰۰۰) ۹ سازگار است.



جدول (۶) - همبستگی بین دهک های C\_Score و تعدادی از ویژگی های شرکت

شماره ی فرضیه	ارتباط محافظه کاری با..	همبستگی	آماره ی t	احتمال	علامت پیش بینی شده	شرط پذیرش آماره ی t	نتیجه
۴	انحراف معیار توزیع بازده دارایی ها	۰.۸۵۹	۴.۷۴۸	۰.۰۰۱	+	$t > ۰.۳۷۱$	پذیرش فرضیه
۵	میانگین توزیع بازده دارایی ها	-۰.۹۴۴	-۸.۰۶۵	۰.۰۰۰	-	$t < -۳.۷۱$	پذیرش فرضیه
	چولگی توزیع بازده دارایی ها	-۰.۸۴۵	-۴.۴۷۶	۰.۰۰۲	-	$t < -۳.۷۱$	
۶	انحراف معیار توزیع افلام تعهدی غیر عملیاتی	۰.۸۲۸	۴.۱۸۰	۰.۰۰۳	+	$t > ۰.۳۷۱$	پذیرش فرضیه
	میانگین توزیع افلام تعهدی غیر عملیاتی	-۰.۹۱۶	-۶.۴۷۴	۰.۰۰۰	-	$t < -۳.۷۱$	
۷	چولگی توزیع افلام تعهدی غیر عملیاتی	-۰.۸۹۱	-۵.۵۶۴	۰.۰۰۰	-	$t < -۳.۷۱$	پذیرش فرضیه
	عمر شرکت	-۰.۸۴	-۴.۴۴۳	۰.۰۰۲	-	$t < -۳.۷۱$	
۹	عدم اطمینان شرکت	۰.۸۳۶	۴.۳۰۲	۰.۰۰۲	+	$t > ۰.۳۷۱$	پذیرش فرضیه
۱۰	عکس طول چرخه سرمایه گذاری	-۰.۸۶۸	-۴.۹۲	۰.۰۰۱	-	$t < -۳.۷۱$	پذیرش فرضیه

## ۱۲- محدودیت های پژوهش

متغیرها و مدل های مورد استفاده بدون در نظر گرفتن اثر صنعت است. بنابراین ممکن است با احتساب ویژگی های صنعت در محاسبه ی متغیرها و در کاربرد مدل ها، نتایج متفاوت از یافته های این مقاله باشد.

## ۱۳- پیشنهادهای پژوهش

### ۱۳-۱- پیشنهادهای حاصل از پژوهش

وجود محافظه کاری در صورت های مالی بیش از هر گروهی، منافع سرمایه گذاران و اعتباردهندگان را حفظ می کند. لذا اطلاع از وجود محافظه کاری می تواند تضمین خاطری برای این افراد باشد. این گروه انتظار دارند که هر چه عدم تقارن اطلاعاتی بین طرفین قرارداد بیشتر می شود، ارقام حسابداری با اعمال محافظه کاری بیشتری گزارش شوند. نتایج این پژوهش، وجود این ارتباط ها را اثبات می کند. لذا به سرمایه گذاران توصیه می شود در هنگام اتخاذ تصمیم های سرمایه گذاری خود، به روابط موجود بین متغیرهای فوق و محافظه کاری شرکت توجه نمایند.

۱۳-۲- پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی یکی از دلایل تقاضا برای محافظه کاری، احتمال اقامه دعاوی حقوقی علیه شرکت است که هزینه های دادخواهی را در پی خواهد داشت. پیشنهاد می شود در تحقیقات بعدی ارتباط این دو متغیر نیز بررسی شود.

#### یادداشت‌ها

- |                           |                                      |
|---------------------------|--------------------------------------|
| 1-Conservatism.           | 2-Watts (2003).                      |
| 3-Basu(1997).             | 4-Khan & Watts(2009).                |
| 5-Market To Book Value.   | 6- Investment Cycle.                 |
| 7- Firm-Specific.         | 8- Growth Option.                    |
| Uncertainty.              | 10- Smith(1992).                     |
| 9- Agency Cost.           | 12- Highly Levered Firms.            |
| 11- Easley et al(2002).   | 14- Lafond (2008).                   |
| 13- Zimmerman (1986).     | 16- Lara, Osma & penalva (2010).     |
| 15- Givoly & Hayn (2000). | 18- Francis et al (2004).            |
| 17- Hui et al (2009).     | 20- Accounting Rate-of-Return (ROA). |
| 19- Gul et al (2002).     | 22- Dummy Variable.                  |
| 21- Beaver & Ryan (2000). | 24- Husman Test.                     |
| 23- F-Leamer.             |                                      |

#### کتابنامه

##### الف) فارسی

- ۱- احمد خان بیگی، مصطفی. (۱۳۸۸). «رابطه محافظه کاری و به موقع بودن سود حسابداری با اندازه شرکت و اندازه موسسه حسابرسی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ۲- ستایش، محمد حسین و جمالیان پور، مظفر. (۱۳۸۹). «بررسی وجود محافظه کاری در گزارش گری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، پیشرفت‌های حسابداری، سال دوم، شماره اول، صص ۸۵-۱۱۹.
- ۳- کردستانی، غلامرضا و امیر بیگی لنگرودی، حبیب. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و **MTB** بعنوان دو معیار ارزیابی محافظه کاری»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۲، صص ۱۰۶-۸۹.
- ۴- کردستانی، غلامرضا و مجدی، ضیال‌الدین. (۱۳۸۶). «بررسی رابطه ی بین ویژگی های کیفی سود و هزینه سرمایه سهام عادی». بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۰۴، صص ۸۵-۱۴.

- ۵- مجتهدزاده، ویدا. (۱۳۸۰). «محافظة کاری»، *مجله حسابداری*، شماره ۱۵۴، صص ۲۴-۲۲.
- ۶- مراد زاده، مهدی و بنی مهد، بهمن. (۱۳۸۵). «تغییر استانداردهای حسابداری بر اساس رویکردهای مبتنی بر قواعد و اصول». *حسابدار*، شماره ۱۷۹، صص ۱۸-۱۱. (ب) انگلیسی
- 7-Basu, S. (1997). "The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings". *Journal of Accounting and Economics* 24, pp 3-37.
- 8-Beaver, W., Ryan, S. (2000). "Biases and Lags in Book Value and their Effects on the Ability of the Book-to-Market Ratio to Predict Book Return on Equity". *Journal of Accounting Research* 38, pp. 127-148.
- 9-Easley, D., Hvidkjaer, S., O'Hara, M., (2002). "Is Information Risk a Determinant of Asset Returns? ". *Journal of Finance* 57, pp 2185-2221.
- 10-Francis, J., LaFond, R.Z., Olsson, P. and K. Schipper, (2004). "Cost of Capital and Earnings Attributes", *Accounting Review* 79 (4), PP. 967-1010.
- 11-Givoly, D., Hayn, C, (2000). "The Changing Time-Series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservative?". *Journal of Accounting and Economics* 29, pp 287-320.
- 12-Gul, F.A., Srinidhi, B. and T. Shieh,(2002). "The Asian Financial Crisis , Accounting Conservatism and Audit Fees: Evidence from Hong Kong," *On line, <http://www.ssrn.com>*.
- 13-Hui, K.W., Matsunaga, S., and Morse D., (2009). "The Impact of Conservatism On Management Earnings Forecasts". *Journal Of Accounting And Economics*, 47, pp. 192-207.
- 14-khan,m.,Watts,R.L,(2009). "Estimation and Empirical Properties of a Firm-Year Measure of Accounting Conservatism". *Journal Of Accounting and Economics* 48.

15-LaFond, R., Watts, R.L. (2008). "**The Information Role of Conservatism**". *The Accounting Review* 83, pp 447–478.

16-Lara, Juan Manuel García , Beatriz Garcia Osma and Fernando Penalva .,(2010). "**Conditional Conservatism and Cost of Capital**". *Forthcoming in Review of Accounting Studies*, Vol. 16, No. 2, June 2011

17-Smith, C., Watts, R.L., (1992). "**The Investment Opportunity Set and Corporate Financing, Dividend and Compensation Policies**". *Journal of Financial economics* 32, pp 263–292 .

18-Watts, R.L., (1993). "**A proposal for research on conservatism**". Working paper, University of Rochester (*presented at the American Accounting Association Annual Meeting, San Francisco*)

19-Watts,R.L.(2003a). "**Conservatism in accounting, Part I: explanations and implications**". *Accounting Horizons* 17 (3, September), pp 207–221.

20-Watts, R.L., (2003b). "**Conservatism in Accounting, Part II: Evidence and Research Opportunities**". *Accounting Horizons* 17 (4, December), pp 287–301 .

21-Watts, R.L., Zimmerman, J., (1986). **Positive Accounting Theory**. Prentice-Hall, Upper Saddle River, NJ.